



صاحب امتیاز:  
انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی شیراز

مدیر مسئول:  
مرجان فرمانی

سردبیر:  
مریم طاهری

طراح و ویراستار:  
فاطمه کرمی، زینب امیرزاده

هیئت تحریریه:  
شهربانو قنبری، محبوبه غلامی،  
زهرا شمشیری، مریم یونسی، زینب رضی،  
منصوره بزرگر

راه های ارتباطی:

جهت ارسال انتقادات و پیشنهادات شما مخاطبان گرامی:

 @elmi\_mt

 ۰۹۳۳۹۶۷۰۴۴۳





فهرست:

- آزادی و حق انتخاب انسان
- از منظر آموزه های اسلامی ..... صفحه ۳
- اخلاق انتخاباتی نماینده ها و رأی دهندگان ..... صفحه ۷
- انتخابات، مبارزه با فساد ..... صفحه ۹
- اصول مدیریت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع) ..... صفحه ۱۱
- ارتباط انتخابات مجلس با ولایت ..... صفحه ۱۵
- شکوه بیکرانه ..... صفحه ۱۸

## سخن سردبیر

امام علی (ع) می فرمایند: "لَا تَثَقِّنَ بَعْدَ مَنْ لَا دِينَ لَهُ" «به عهد و پیمان کسی که دین ندارد اعتماد نکن.»

(غرر الحکم، صفحه ۱۰۱۶۳)

انسان به طور طبیعی موجودی اجتماعی است و بر خلاف سایر موجودات علاوه بر خود نسبت به سرنوشت و اتفاقات مرتبط با جامعه نیز حساس است و امکان ندارد که بی تفاوت باشد، هرچند که ممکن است در تشخیص دچار اشتباه گردد و در سرنوشت ناگوار یک جامعه نقش ایفاء نماید. از نگاه اسلام نیز انسان علاوه بر وظایف فردی، وظایف اجتماعی دارد و در قبال جامعه مسئول است و باید در آخرت نیز پاسخگوی کنش های اجتماعی خود باشد؛ پیامبر (ص) فرمودند: «أَلَا كَلِّكُمْ رَاعٍ وَ كَلِّكُمْ مَسْئُولٍ عَنِ رَعِيَّتِهِ؛ بدانید هر کدام از شما مسئول هستید و درباره افرادی که به سخن شما گوش می دهند بازخواست خواهید شد.» بنابراین این مشارکت در تعیین سرنوشت نه فقط يك حق بلکه تکلیفی شرعی و عقلی است، همچنان که در قرآن می فرماید: «خداوند بر آن نیست که نعمتی را که به قومی عطا کرد تغییر دهد تا وقتی که آن

قوم حال خود را تغییر دهند.» یعنی اراده تغییر باید از ناحیه مردم باشد و الا خداوند جامعه ایستایی را که دست بر روی دست بگذارد اصلاح نخواهد فرمود پس روش ایجاد اصلاح و تغییر در وضعیت، در نظام مبتنی بر مردم سالاری، شرکت فعال در انتخابات است. با توجه به آن چه ذکر شد، بهانه ای شد تا در نشریه علمی-دانشجویی فخرآ به مطالب علمی مطرح شده در حوزه علوم قرآن و حدیث مرتبط با يك انتخاب درست و بی نقص در حیطه انتخابات پرداخته شود. در این شماره از نشریه برآنیم که در ابتدا به بررسی آزادی و حق انتخاب از منظر آموزه های اسلامی پرداخته و بعدا اخلاق انتخاباتی نماینده ها و رای دهندگان را مورد واکاوی قرار دهیم. مطالب مورد بحث بعدی از جمله انتخابات و مبارزه با فساد، اصول مدیریت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع) و موضوعاتی دیگر مورد بررسی قرار گرفته است. باشد که مطالب این نشریه برای خوانندگان مفید واقع گردد.



انجمن علمی  
دانشکده علوم قرآنی شیراز



آزادی و حق انتخاب انسان از منظر آموزه‌های اسلامی یکی از مسائل مهم و دغدغه‌های تمام مکتب‌ها و جوامع بشری، دستیابی به معنای حقیقی آزادی و حق انتخاب است. لذا ادیان و مذاهب مختلف توجه خاصی به انسان و سرنوشت او در مسائل اجتماعی و سیاسی داشته‌اند. انسان از گذشته تا کنون در تلاش بوده تا به مفهوم حقیقی آزادی و انتخاب دست یابد. و همواره در سرنوشت خود سهیم باشد. کلمه‌ی آزادی یک واژه‌ی پرچالش و دیرین در تمام قرن‌ها بوده‌است. بعضی از مفهوم‌ها هرچند بدیهی به نظر می‌رسند اما واضح و مبرهن نیستند. و دانش‌پژوهان تعریف دقیقی از آن بیان نکرده‌اند. چنان‌که در خصوص معنای آزادی به معنای واحدی نرسیده‌اند. لازم است در تعریف معنای آزادی نظرات برخی از فلاسفه غربی را متذکر شد. از نظر (هابز) آزادی مفهوم آزادی طبیعی خود را دارد یعنی هرکس هرکاری که دوست دارد را انجام دهد و مانعی سر راهش قرار نگیرد. همچنین (لاک) آزادی را به معنای استقلال اخلاقی بیان کرده است، بدین معنا که هرکسی برای خود قدرت قضاوت و تصمیم‌گیری داشته باشد. و همچنین از منظر، به شخصی آزاد گفته می‌شود که اعمال و رفتارش مطابق با شیوه و روشی باشد که خودش آن را پایه‌ریزی نموده است. با بررسی مفهوم آزادی از منظر فلاسفه غربی می‌توان گفت هیچ‌کدام معنای حقیقی آزادی که سعادت‌مندی و

کتابنامه علمی انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی شیراز - اسفندماه ۱۴۰۲ - شماره هفتم

رستگاری را برای انسان تأمین کند در پی نخواهد داشت. انسان خود مختار و افسار گریخته با ارتکاب انواع جرم و جنایت و خشونت در خارج از چهارچوب و محدوده زندگی، چگونه می‌تواند راه نجات در این دنیا و آخرت برای خود فراهم کند. مفهوم آزادی از نظر جهان بینی توحیدی این است که برای عالم خلقت مبدأ و آخرتی است و انسان موجودی است که برای رسیدن او به سعادت حقیقی پیامبرانی فرستاده شده و با وجود طبیعی بودن، یک حقیقت وجودی فرا طبیعی نیز دارا است او باید این دنیا را همانند مسافری طی کند و به جهان آخرت منتقل گردد، زندگی او با مرگ پایان نمی‌پذیرد. لذا درست است که انسان موجودی آزاد است اما آزادی او در حوزه دستورات الهی و خارج از محدوده آن نیست. انواع آزادی: آزادی انسان می‌تواند از منظرهای مختلفی مورد تبیین قرار گیرد. به‌طور مثال در بسیاری از آیات همچون (بقره/۲۱۹؛ ق/۶ و ۷؛ اسراء/۴۱) به آزادی تفکر و تعقل انسان اشاره شده که انسان همواره از نعمت هدایت الهی بهره‌مند گردیده است. یا می‌توان به آزادی سیاسی انسان اشاره نمود. همانطور که خداوند متعال انسان را از تعیین سرنوشت خود محروم نساخته





و حق انتخاب و شرکت در امور سیاسی را به او داده



است. همانطور که در آیات (آل عمران/۱۵۸؛ فتح/۱۵ توبه/۶ و ۸۵) به این مسأله اشاره شده است. و یا خداوند انسان را در انتخاب دین و عقیده آزاد گذاشته است. (بقره/۲۱۷ و ۲۵۶) اما به حقیقت تفحص در انتخاب دین برتر از جمله ضروریات برای هر انسانی

می باشد. یا می توان به آزادی انسان در بیان اشاره کرد همانطور که در آیات متعددی همچون (زمر/۱۸؛ آل عمران/ ۶۱) به این مهم اشاره شده است. آزادی بیان از دستورات الهی و رهنمودهای ائمه اطهار است و خداوند متعال در قرآن به مباحث بسیار مهم بحث های منطقی، شیوه سخن گفتن با مشرکان و معاندان و گوش دادن به سخنان آنان و آزادی بیان تاکید کرده است. به نظر می رسد مفهوم حقیقی آزادی يك مفهوم مطلق و نامحدود نیست، بلکه این آزادی و حق انتخاب برای هر فردی دایره و محدوده ای امن داشته باشد. چرا که منطقی است آزادی های افسار گسیخته جز هرج و مرج و تباهی به بار نخواهد آورد. لذا خداوند متعال نیز در آیات متعددی به رعایت حدود الهی اشاره کرده است. (بقره/ ۲۲۹) که انسان پای خود را از دایره و مرزهای الهی خارج نکند. و کسی که از حدود الهی خارج شود به حقیقت ستمگر است. با توجه به مطالب بیان شده، روشن است که آزادی انسان محدود است. چون

وصف در اصل تحقق خود تابع هستی موصوف است، در تمام شئون هستی نیز تابع وجود خود خواهد بود؛

گاهنامه علمی انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی شیراز - اسفند ماه ۱۴۰۲ - شماره هفتم



انجمن علمی  
دانشکده علوم قرآنی شیراز

یعنی اگر هستی موجودی نامحدود غیر متناهی بود، خصوص وصف ذاتی او نیز همانند اصل وجود ذات او بی کران است، گرچه وصف فعل او محدود است؛ همان گونه که هستی انسان محدود است و اوصاف و کمال او از قبیل حیات، علم، قدرت، اراده و مانند آن متناهی است، آزادی او نیز محدود خواهد بود. تنها مرجع تعیین حدود آزادی نیز خداوند متعال است. امام خمینی (ره) بنیان گذار انقلاب اسلامی در همین رابطه در وصیت نامه خویش به مسئولان قوای سه گانه و شورای نگهبان و همه مردم وصیت نمودند که اجازه ندهند مطبوعات و رسانه های کشور از اسلام و مصلحت های کشور به راه انحراف کشانده شوند و همچنین متوجه باشند که آزادی به شکل غربی موجب نابودی و تباهی جوانان مملکت نشود. این هدایت نیز خارج از اراده انسان نیست، باید فرد با اختیار و آزادی کامل توبه کند تا مشمول هدایت خداوند گردد، همان گونه که راه باطل را نیز با آزادی و اختیار برگزیده بود.





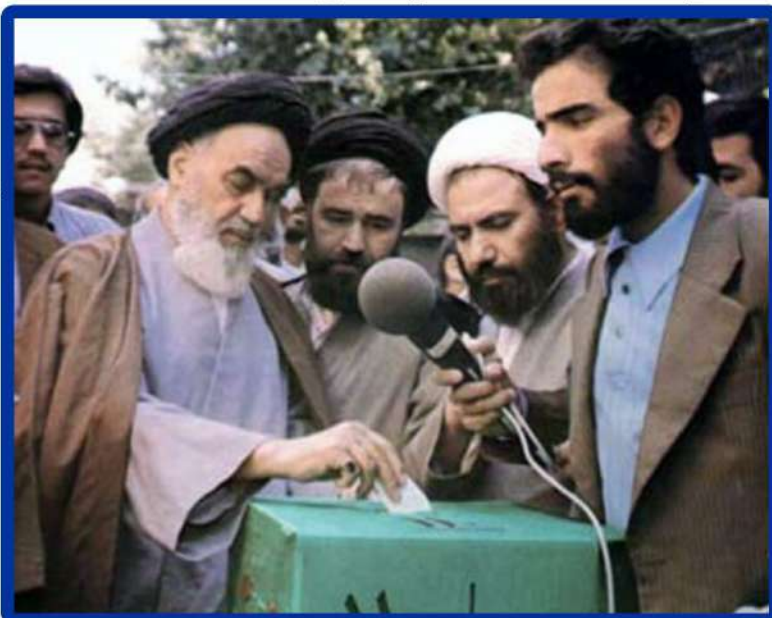
همچنین وقتی خداوند تعالی امانت خود را به آسمان ها و زمین و کوه ها

عرضه داشت و همه از قبول آن امتناع کردند انسان به اختیار و با آزادی کامل آن را پذیرفت، چون قابلیت پذیرش آن را داشت و (ظلم و جهول) بودن او در پذیرش این امانت ناقض آزادی و اختیارش نبود. او به چیزی جهل نداشت که برای او ممتنع ذاتی باشد و نتواند آن را به فعلیت درآورد، قابلیت پذیرش امانت را داشت و با آزادی و اختیار آن را قبول کرد. آزادی غربی چه از نظر عقلی و چه از جهت مبانی اسلام مردود است و دیگر اینکه تبلیغات، سخنرانی ها، کتاب ها و مطبوعات برخلاف موازین شرعی اسلام و منافات با عفت عمومی و مصلحت های کشور حرام می باشد. دین مبین اسلام به عنوان کامل ترین دین و برخوردار از حاکمیت واقعی بر تعیین سرنوشت انسان تا قیامت از این مهم غافل نبوده است. به طوری که خداوند متعال در آیات متعددی به مسأله ای اختیار و آزادی انسان پرداخته است. بنابراین برای پرداختن به این موضوع لازم است به

آیات قرآن کریم استناد شود. به طور کلی آیات مطرح شده در این زمینه را می توان به سه دسته تقسیم نمود، دسته اول: آیاتی که خداوند متعال، انسان را مختار و دارای حق انتخاب سرنوشت خود معرفی نموده است. انسان قادر است با استفاده از نیروی اختیار تعیین کننده سرنوشت خود باشد و نهایتاً خود او مسبب و مسئول انتخاب



خویش است در این آیات بیان شده که انسان مختار است که ایمان بیاورد. ( کهف/ ۲۹) یا از سر عناد و از حقیقت ایمان دور شده و کافر شود. ( مزمل/ ۹؛ انسان/ ۲۹؛ مدثر/ ۳۷؛ نبا/ ۳۹؛ تکویر: ۲۸) در تعدادی از آیات نیز به اختیار و اراده بشر توجه شده است: (نجم: ۳۹؛ نازعات: ۳۵؛ بنی اسرائیل: ۱۹؛ غاشیه: ۹؛ یونس: ۱۰۸؛ انعام: ۱۰۶؛ نساء: ۱۷۵ و ۱۷۴) پروردگار عالم در همه آیات مسیر حق و حقیقت و سعادت مندی بشر را گوشزد نموده و از طرفی عواقب انتخاب راه ناصواب و گمراهی را نیز بیان کرده است. از آنجایی که انسان دارای اختیار و آزادی است، لذا خود می تواند مسئول سرنوشت خود می باشد. حتی در برخی از آیات عاقبت انسان ها و جامعه را در گرو عملکرد خودشان بیان می دارد. ( بقره: ۸۵، ۱۲۴، ۲۰۴، ۲۱۵، ۲، ۲۴۳، ۲۵۴؛ آل عمران/ ۱۱۲؛ نسا/ ۹۵، ۱۰۰، ۱۲۳ و ۱۲۵؛ مائده: ۳۲، ۷ و ۳۶) بنابراین سعادت و شقاوت هر جامعه ای نتیجه انتخاب مسیر سرنوشت و تصمیم گیری های افراد آن جامعه است. دسته دوم آیاتی که بر آزاد و مختار بودن انسان تاکید دارند،





اما این آزادی و اختیار خارج از اراده و قدرت لایزال الهی نیست. منظور این است که انسان هرگز قادر نخواهد بود بر اراده الهی تاثیر بگذارد همان گونه که در برخی از آیات همچون (انسان/۳۵؛ تکویر/۲۹؛ مدثر/۵۵؛ بقره ۲۱، ۲۸، ۳۸، ۶۶ و ۷۵؛ آل عمران/ ۱۲۵، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۹۶ و ۱۰۶) در این آیات تاکید شده خداوند صاحب اختیار انسان و حاکم بر سرنوشت اوست و از طرف دیگر خودش مقدر نموده که بتواند آزادانه مسیر سعادت و شقاوت خود را برگزیند و این آیات هرگز اختیار و اراده انسان را نفی نمی کند. شرایط ( امر بین الامرین ) حاکم است و اختیار و آزادی انسان براساس خواست و مشیت الهی تحقق می یابد. همچنین در برخی از آیات به این نکته اشاره شده است که خداوند اگر اراده می کرد قادر بود بسیاری از امور را محقق کند، اما آن امور را به اختیار و آزادی انسان گذاشته است بطور مثال خداوند می توانست که همه مردم را یکتا پرست و در مسیر سعادت و حقیقت قرار دهد. اما به خاطر شرایطی نخواست به این شکل عمل کند، لذا ذات مقدس الهی اراده کرده انسان ها آزاد باشند. و آزادانه تصمیم بگیرند و خود سرنوشت شان را خوب یا بد رقم بزنند. (مائده/۴۸؛ نحل/۹۳؛ شوری/۸؛ بقره/۲۵۳؛ هود/۱۱۸؛ انعام/۳۵؛ یونس/۹۹) دسته سوم: آیاتی هستند که در ظاهر مختار و آزاد بودن انسان را نفی می کنند و همه کارها را به مقدرات الهی و اراده

خداوند منتسب می نمایند، همانند آیاتی که بیان می کند خداوند متعال هر که بخواهد هدایت و هر که را بخواهد گمراه می سازد. (فاطر: ۸؛ ابراهیم: ۴؛ نحل: ۹۳؛ رعد: ۲۷) یا هر که را بخواهد ملك می دهد و عزیز می دارد و هر که را بخواهد خلع می کند و ذلیل می نماید. (آل عمران: ۲۶) اغلب مفسران از جمله طبرسی و علامه طباطبایی، این آیات را منافات با اختیار و آزادی انسان نمی دانند، زیرا این گمراه کردن انسان از سوی خداوند، که در آیه آمده، گمراهی نیست، به حکم بسیاری از آیات قرآن، خداوند تمام موجودات و به خصوص انسان را به سوی کمالش هدایت اولیه کرده است. اخلال و هدایت بعدی (اخلال مجازاتی) و (هدایت پاداش دهی) است که بر اساس قوانین الهی انجام می شود و همه انسان ها به آن آگاه اند که هر کس در برابر حق خضوع نکند و عناد و لجبازی به خرج دهد، یعنی آزادانه و به اختیار خود راه باطل را برگزیند و بر آن اصرار ورزد خداوند نیز او را گمراه تر می سازد تا او را مجازات کند و هر کس راه حق را برگزیند و طالب حقیقت و مطیع خداوند باشد حق تعالی با یاری و هدایت بیشتر خویش، وی را پاداش می دهد. منابع: قرآن، انسان و آزادی در نگرش

قرآنی، صحیفه نور، گفتارهای معنوی





اخلاق انتخاباتی



اخلاق انتخاباتی نماینده‌ها و رأی دهندگان

انتخابات، به عنوان یک حرکت سیاسی و بیانگر مرتبه‌ای از شرکت کردن سیاسی است که هر جامعه و هر شخصی در جامعه بر طبق استنباط سیاسی خود در انتخابات به جهت حمایت، اصلاح، و تغییر در آن شرکت می‌کنند. انتخابات در نظام سیاسی دموکراسی و همچنین نظام جمهوری اسلامی ایران میدان پیدایش جمهوریت و پایه مردمی نظام و نتیجه دست‌آوردهای حکومت می‌باشد. رعایت اخلاق در انتخابات، از جلوه‌های حضور سیاسی اخلاقی است که زیر شاخه‌ی اخلاق عملی است که به کارگیری آن می‌تواند جامعه را به سوی انتخاب نیکوتر راهنمایی کند. اخلاق واژه عربی است، مفرد آن «خُلِقَ» و «خُلُق» می‌باشد. خُلُق در لغت به معنای توانایی و سرشت به کار رفته است. (در اصطلاح اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است). رعایت اصول اخلاقی از مهم‌ترین ارکان در رفتار نماینده‌ها و طرفداران آنها است که به برگزارشدن انتخاباتی سالم کمک می‌کند. شایعه پراکنی، تهمت زنی و تخریب کردن، بیش‌ترین آسیب را به نماینده‌ها و فضای انتخابات وارد می‌سازد و سبب خدشه دار شدن اعتماد عمومی می‌شود. غلام‌علی صفایی بوشهری امام جمعه بوشهر در روز ۲۵ بهمن ماه ۱۴۰۲ در خطبه نماز جمعه بیان کردند که داوطلبان نمایندگی باید به جای رقیبان بر بیان برنامه‌ها و توانمندی‌های خود تمرکز کنند. عدم رعایت اخلاق مداری



بیانگر این است که داوطلب ضعف خود را با تضعیف بزرگی دیگران نشان دهد. ایشان تصریح کرد: اخلاق انتخاباتی که به منزله احترام و تکریم رقیب است. بهتر است داوطلبان از درهم کوبیدن یکدیگر اجتناب کنند و فقط به بیان توانایی‌های خود برای رقابتی سالم بپردازند تا مردم بتوانند آگاهانه و آزادانه افراد شایسته را بر طبق معیارها، استعدادها و تخصص آنها انتخاب کنند. اخلاق انتخاباتی نماینده‌ها در زمان انتخابات بعد از تعیین صلاحیت نماینده‌ها بحث اخلاق انتخاباتی مطرح است که مواردی را به طور اختصار بیان می‌کنیم: (۱) اسراف نکردن در تبلیغات یکی از خسارت‌ها، هزینه زیادی است که هزینه تبلیغات می‌شود، نماینده‌ها در عوض اینکه در تلاش شناساندن خود به مردم باشند هزینه‌های زیادی را صرف تبلیغات می‌کنند که چیزی جز اسراف به همراه ندارد.







امام علی (ع) می فرمایند: (ع) مَن كَانَ لَهُ مَالٌ فَإِيَّاهُ

وَالْفَسَادُ؛ فَإِنَّ إِعْطَاءَكَ الْمَالَ فِي غَيْرِ وَجْهِهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ، وَهُوَ يَرْفَعُ ذِكْرَ صَاحِبِهِ فِي النَّاسِ وَيَضَعُهُ عِنْدَ اللَّهِ. هر که ثروتی دارد، مبادا آن را تباه کند؛ زیرا صرف کردن بی مورد آن ریخت و پاش و اسراف است. این کار او را در میان مردم بلند آوازه می کند، اما نزد خدا بی مقدار می سازد. ۲) انصاف در گفتار نماینده ها برای دفاع از آرمان ها و برنامه های خود و همچنین معرفی خود، باید در گفتار و کردار، جانب انصاف را داشته باشند امام علی (ع) می فرمایند: أَجْوَرُ السَّيْرَةِ أَنْ تَنْتَصِفَ مِنَ النَّاسِ وَ لَا تُعَامِلَهُمْ بِه. ظالمان ترین روش آن است که از مردم انصاف بخواهی، اما خودت با آنان به انصاف رفتار نکنی. ۳) پرهیز از دادن وعده های بیهوده. ۴) پرهیز از اختلافات. در هر جامعه ای سلیقه های مختلفی وجود دارد در عین حال داوطلبان باید با وجود اختلاف سلیقه ها و کثرت آرا در برابر منافع های مشترک خود وحدت کلمه داشته باشند و از پراکندگی و اختلاف به شدت بپرهیزند آنها باید رضای خدا و ادای تکلیف الهی به صحنه رقابت قدم بگذارند نماینده ها باید تلاش کنند از هوا، هوس، فریب و نیرنگ افراد بپرهیزند و از تجاوز به حقوق دیگر نماینده ها و طرفداران آنها پرهیز کنند. اخلاق انتخاباتی رای دهندگان در زمان انتخابات امام خمینی (ره) فرموده است:

( میزان، رای مردم است.)



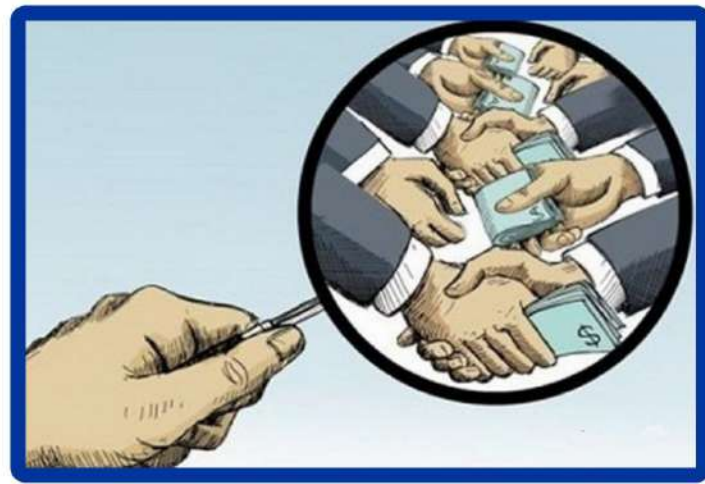
در انتخابات آزاد، ملاک رای مردم است تا با دقت در انتخابات نماینده شایسته تر را انتخاب کنند. تحقیق مردم در مورد نماینده ها: برای این مرحله می توان دو روش را بیان کرد. الف) باید تفکر و تعلق را الگو کار خود قرار داد تا بتوان نماینده شایسته تر را از میان دیگر نماینده ها انتخاب کرد. ب) اگر از مرحله اول به نتیجه نرسید، با مشورت کردن با صاحبان عقل و اندیشه به انتخابی درست راهنما شود. باید در زمان انتخابات توجه داشت که نماینده ویژگی های زیر را دارا باشد: ۱) برخورداری از شعور و آینده نگری ۲) داشتن تعهد و تجربه ۳) پرهیزکاری ۴) امانت داری ۵) اصالت خانوادگی ۶) ساده زیستی: الف) رای دهندگان باید از عجله در تصمیم گیری اجتناب کنند و پس از تحقیق لازم، افراد باتقوا، عادل، عاقل و اهل عمل را انتخاب کنند و از تقلید نسنجیده از افراد دوری کنند. ب) از جدال با افراد و گروه های که سبب بی احترامی نماینده ها می شوند پرهیز کنند. ج) نماینده های را انتخاب کنند که پیرو رهبری و ولایت فقیه باشند.

منابع: قرآن، نهج البلاغه، دررالکلم



## انتخابات، مبارزه با فساد

انتخابات مجلس آینده، پیش روی کشور و ملت است و آوردگاهی حیاتی است که در آن مشخص می‌شود در طی چهار سال آینده چگونه قانون‌گذاری و نظارت بر آن در ایران عزیزمان انجام شود. یکی از مزایا وجود جمهوریت و در نتیجه آن برگزاری انتخابات در جامعه، مبارزه و کاهش فساد است. تعریف فساد به معنای يك نوع خلاف کاری است، که توسط فردی که مسئولیت و اقتدار دارد، اغلب برای به دست آوردن منافع شخصی اش به انجام می‌رسد. فساد ممکن است شامل فعالیت‌های بسیاری از جمله رشوه خواری و اختلاس باشد، اما ممکن است شامل مواردی باشد که در بسیاری از کشورها قانونی هستند. در این تعریف همانگونه که مشخص است قانون و نحوه قانون‌گذاری در شکل‌گیری فساد و انجام آن نقش بسزا دارد و از همین روست که انتخابات و انتخاب قانون‌نویس و تصویب‌کننده قانون یعنی شخص نماینده مجلس، از چنان اهمیتی برخوردار است که سرنوشت اساسی‌ترین مسائل کشور و مردم را تا چهار سال معین می‌کند. انتخابات و نتیجه شرکت در آن، گزینش فرد فاسد یا صالح برای مسند نمایندگی ملت در مجلس شورای اسلامی است؛ شاید سوال بوجود آید که چگونه با شرکت در انتخابات، می‌توان گفت که فساد کاهش می‌یابد؟ اگر بلعکس فساد بیشتر شد چه؟ در جواب این سوال سه دلیل منطقی وجود دارد که بدین شرح است: (۱) اولین دلیل آن است که بررسی



عدم فساد بودن اولیه‌ی شخص ثبت نام‌کننده برای انتخابات مجلس، توسط شورای نگهبان و قوانین نظارتی تصویب شده و تایید صلاحیت‌ها انجام می‌شود؛ در این فرآیند رسیدگی به صلاحیت داوطلبان در شورای نگهبان صورت می‌گیرد. دکتر پروین حقوق دان شورای نگهبان سال گذشته در جمع مسئولان دفاتر نظارتی استان‌ها و شهرستان‌های شورای نگهبان گفت: ما بر اساس وظیفه دینی و قانونی از رای مردم پاسداری می‌کنیم و یکی از دلایل مشارکت مردم در انتخابات، اعتماد به مجریان است. دکتر پروین با تاکید بر ضرورت نظارت بر انتخابات عنوان کرد: هر مجموعه‌ای برای رسیدن به غایت خودش باید بر مبنای يك برنامه جامع عمل بکند. این برنامه جامع بدون نظارت میسر نخواهد شد. نظارت یکی از اصول بنیادین هر جامعه‌ی غایت‌گراست. وی افزود: آزادی رقابت در انتخابات فی‌نفسه مطلوب است، اما میل به قدرت ممکن است جامعه را دچار مشکل کند. اگر نظارت نباشد، آرای مردم ممکن است دچار اخلاص شود و ذائقه‌های مردم را به جهت‌هایی سوق بدهد. برای دوری از مفاسد باید نظارت را تقویت کرد. نظارت هم باید



به دستان کسانی باشد که علاقه‌ای به نفع شخص شخص خودشان نداشته باشند. این عضو حقوقدان شورای نگهبان گفت: شورای نگهبان در ۴۴ سال گذشته تلاش کرده در این مسیر گام بردارد. وی با اشاره به اصل ششم قانون اساسی عنوان کرد: تاکید نظام جمهوری اسلامی بر حضور مردم پای صندوق‌های رای است. فلسفه نظارت نیز برای سالم برگزار کردن انتخابات و جلوگیری از تخلفات و خطاهاست. مرجع نظارتی که طبق قانون اساسی شورای نگهبان است از آرای مردم صیانت می‌کند. (۲) «ما مامور به وظیفه هستیم نه مأمور به نتیجه آن»؛ این جمله کلیدی حجت را تمام می‌کند که ما وظیفه داریم که با بررسی و تحقیق، شخص اصلح را برگزینیم و حتی بعد از اعلام نتایج هم اگر که شخصی که به آن رأی دادیم، منتخب مردم شد، باید به طور جدی پیگیر وعده‌ها و دغدغه‌های مردم و جامعه از او باشیم ولی نکته در این است که اگر در مرحله اول وظیفه مان که همان تحقیق مسئولانه درباره نامزدها بود را خوب انجام دادیم، دیگر این موضوع که حالا او فاسد بالذات و نفاق و دورویی داشته و یا با چشیدن طعم پشت میز نشینی و منصب مهم داشتن، خود را گم کرده و مردم را فراموش، گردن من و شمای رأی دهنده نیست بلکه آن نماینده فاسد است که در امتحان دنیوی خود مردود شده است و آخرتش را سیاه کرده است. (۳) خداوند انسان را با نعمت عقل و پرسشگری بر سایر موجودات زنده برتری داده است، پس شرط شکرگزاری آن است که



از این دو نعمت در راه در راه ادای تکلیف قدم برداریم؛ وظیفه ما شانه خالی نکردن از تکلیف اجتماعی است، تکلیفی که با معیار عقل و منطق و بررسی هوشیارانه هر نامزد انتخابات، انجامش میسر است. عقل وسیله‌ای حکمت آمیز است که می‌تواند به انسان بصیرت لازم را جهت تشخیص فاسد یا فاسق بودن و یا برعکس صالح و کار دست بودن هر انسانی را تا حدودی به ما بدهد. البته بدست آوردن داده و اطلاعات دقیق و مستند و معتبر درباره هر نامزد هم امری ضروری است که باید بر آن اهتمام جدی داشت. به این امر يك تشخیص صلاحیت فردی برای شخص رأی دهنده می‌گویند. شرکت در انتخابات راه قطعی مبارزه با فساد است همانطور که امام علی علیه السلام می‌فرماید: (إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءِ قُلُوبِكُمْ... وَ صَلاحُ فَسادِ صُدُورِكُمْ، وَ طَهْرُورُ دَنَسِ أَنْفُسِكُمْ) حالا که فرصت عمر باز پیش آمده است تا به شکرانه نعم الهی انتخابات مجلس را ببینیم، صادقانه و مسئولانه و هوشیارانه و خدا ترس گونه رأی دهیم انشاءالله.

منابع: ویکی پدیا تعریف فساد، سایت اصلی مجمع شورای نگهبان.





### اصول مدیریت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)

در این فرمان اصول مدیریت اسلامی و دستورات متناسب با رفتارهای سازمانی بر مبنای اصول اولیه اسلامی بیان شده است که عبارت‌اند از: ۱) حاکمیت خدا و وحدت فرماندهی. اولین اصل در زمینه حکومت و مدیریت پذیرش فرماندهی خداوند، بنده‌ی او بودن و خدا ترسی است به طوری که در

جای جای دستورات امام (ع) نام خدا و رضای او به وضوح دیده می‌شود و آنجا که می‌فرمایند: این دستوری از بنده‌ی خدا به مالک و امر می‌کند او را به تقوای الهی و برگزیدن فرمان او و پیروی از آنچه در

کتابش امر فرموده است. در اینجا به افراد می‌گوید اگر در نظام الهی اسلامی، مدیریتی را قبول می‌کنید و دارای پست و مسئولیتی می‌شوید، در پیشگاه خداوند مسئول و پاسخگو خواهید بود و باید خدا ترس و با تقوا باشید و این مقام و مسئولیت شمارا از خدمت به خلق غافل نکند. فرد را به وحدت و فرماندهی در قالب اصل حاکمیت خداوند و تبعیت از او فرامی‌خواند. ۲) مردم‌داری و مهربانی با مردم. یکی دیگر از اصول

مهم مدیریتی، مردم‌داری و مهربانی با



مردم است زیرا کلیه ساختار و نظم اداره یا سازمان و به‌طور کلی تشکیلات ایجاد شده جهت رفاه مردم به وجود آمده است و مدیر، مدبر، باایمان، خداپرست بایستی با مردم مهربانی و مدارا کند و در برخورد با مردم و کارکنان از اصول و قوانین اسلامی استفاده نماید. امام (ع) در این مورد فرموده‌اند: و مهربانی و خوش رفتاری و نیکویی با رعیت را در دل خود جای ده، مبادا با آنان چون جانور درنده باشی و خوردنشان را غنیمت شماری زیرا که مردم دودسته‌اند یا مسلمان‌اند و برادر دینی تو و یا انسان‌اند و در خلقت همانند تو این اصل

توصیه می‌کند مدیر مردم‌دار و مهربان باشد و نه تنها با مسلمین بلکه با غیرمسلمان نیز بایستی برخورد شایسته داشت. ۳) عدالت بر اساس حق: یکی دیگر از اصول مدیریت پیروی از حق و عدالت ورزی است و این مورد از امور مشهود در دوران خلافت امام (ع) است ایشان چنان در امور حق و



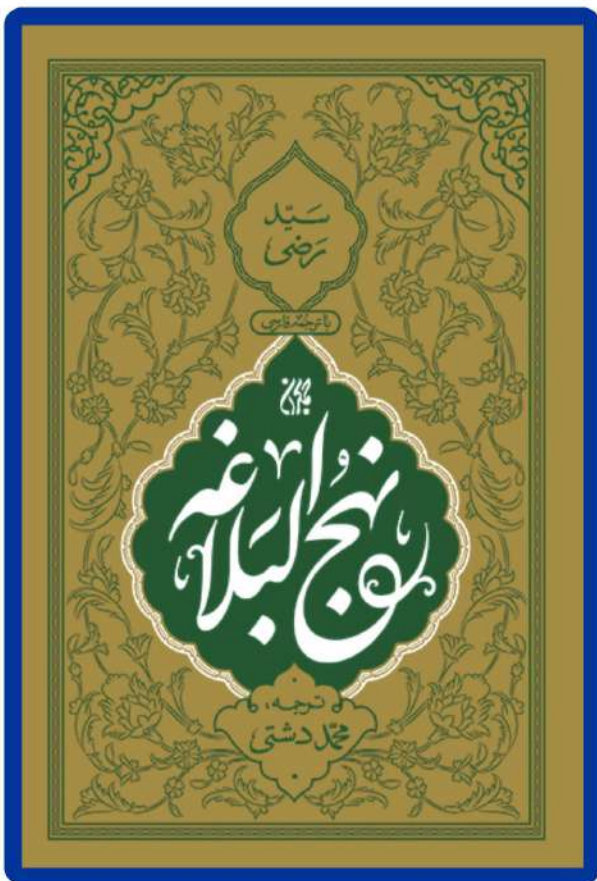
عدل قاطعانه برخورد نموده‌اند که زبانزد عام و خاص می‌باشند و به مالک بیان نمودند فرقی بین آشنا و فامیل و دوست و سفارش شده قرار نداده و بین مسلمان و غیرمسلمان تبعیض قائل نشو به طوری که همه افراد از مواهب حکومت عدل برخوردار باشند در فرمان خود می‌فرمایند: حق را برای آنکه شایسته است از نزدیک یا دور (خویش و بیگانه) اجرا کند و یا در جای دیگر می‌فرمایند: و نیکوترین چیزی که حاکمان را خشنود می‌سازد برپاداشتن عدل و دادگری در شهرها





و آشکار ساختن دوستی رعیت است. ۴) تغافل در برخورد با مردم و چشم‌پوشی بزرگوارانه. یکی دیگر از اصول مدیریت در برخورد مناسب با مردم، رعایت تغافل با مردم است؛ زیرا انسان‌ها به دلایل مختلف در معرض خطا و اشتباه قرار دارند و خود امام (ع) در برخورد با مردم گذشت داشت و در مقابل بعضی از اشتباهات و خطاهای آنان خود را به تغافل می‌زد و به مالک نیز بیان نموده‌اند: مردم از پیش گرفتار لغزش و خطا بوده و به سبب‌هایی بدکاری به آن‌ها روی آورده است، به‌عمد یا به سهو دچار لغزش می‌شوند پس اگر پیش آمدی آن‌ها را به سهو به بدکاری واداشت نباید به ایشان بخشش و عفو روا نداشت (تغافل) با بخشش و گذشت خود آنان را عفو کن، همان‌طور که دوست داری خدا با بخشش و گذشت تو را بیامرزد، بر مبنای این دستور امام (ع) مدارا و چشم‌پوشی بجا از کارهای مردم از اصول یک مدیریت صحیح است که با رفتار انسانی آجین می‌گردد. ۵) انصاف و میانه‌روی در حق. انصاف را می‌توان به رفتار مناسب با زیردستان بر مبنای قوانین و مقررات، از روی حق و عدل معنی کرد. امام انصاف را نه تنها مبنای رفتار مدیران با مردم بلکه اصل مبنای رفتار او را با خداوند می‌داند. در این ارتباط به مالک می‌گوید: با خدا به انصاف رفتار کن (او امر او را به کارگیر و از نواهی او بپرهیز)، از جانب خود و نزدیکان خود درباره مردم انصاف را از دست مده و نیز می‌فرماید: پس رنج کار هر یک از آنان را برای خودش بدان و رنج کسی را به دیگری

نسبت نده و باید در پاداش دهی به او هنگامی که کارش تمام می‌شود کوتاهی ننمایی و بزرگی کسی تو را بر آن ندارد که رنج و کار کوچک کسی را بزرگ شماری و پستی کسی تو را و ندارد که رنج و کار بزرگش را کوچک شماری. بر مبنای این دستورات مدیر باید با رعایت انصاف به زیردستان کمک کند. ۶) منافع اکثریت را بر منافع اقلیت ترجیح دادن. یکی دیگر از اصول مدیریت، منافع عمومی را بر منافع فردی ترجیح دادن است، بدین صورت که نباید به خاطر فردی منافع عمومی و مصالح سازمانی را فدا نمود. امام (ع) در این باره می‌فرماید: کاری که باید بیش از هر چیزی دوست داشته باشی میانه‌روی در حق، همگانی کردن آن و دادگری است که بیشتر موجب خشنودی رعیت می‌گردد زیرا خشم همگانی، رضا و خشنودی چند تن را پایمال می‌سازد و خشم چند تن در برابر خشنودی همگان اهمیت ندارد.





۷) نظارت و ارزیابی بر عملکرد؛ تأکید بسیار زیادی به مدیران دستگاه‌های اجرایی است که بر اعمال و کار کارکنان نظارت داشته و ارزیابی مستمری از آن‌ها بنمایند. امام نیز می‌فرمایند: پس در کارهایشان (عمال و کارگزاران) کاوش و رسیدگی کن و بازرسی‌های راست کار و وفادار بر آنان بگمار، نباید نیکوکار و بدکار نزد تو به یک پایه باشند که این امر نیکوکار را از نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران را به بدی وامی‌دارد و هر یک از ایشان را به آنچه گزیده است جزا بده ۸. انتخاب فرد لایق؛ یکی از مهم‌ترین مسائل فعلی مدیریت در جهان امروز و بخصوص در کشور ما نحوه انتخاب افراد توسط مدیران ارشد است، آنان با عزل و نصب مدیران و زیردستان خود بر مبنای اعمال سلیقه، آزمایش و خطا و عدم تبعیت از ملاک‌های علمی و منطقی باعث شده‌اند افراد ناکارآمد در مشاغل حساس قرار بگیرند. امام (ع) به مالک می‌گویند: پس در حال نویسندگان (کارگزاران) بنگر و بهترین ایشان را به کارهایت بگمار. چون آنان را (کارگزاران) تجربه و آزمایش نمودی به کار گمار. در اینجا امام (ع) تأکید دارند با رعایت معیار و ملاک آزمودن، افراد را به کار گمار نه اینکه بکار گماری و بعداً بررسی کنی و نیز فرمودند: برای انجام کارها از نیروهایت کسانی را بگمار که برای خدا و رسول پند پذیرند و پاک‌دل‌تر، خردمندتر، بردبارتر، مهربان‌تر و ... باشند. امام با این بیان تأکید می‌کنند، باید برای انتخاب مدیر ملاک‌ها

و معیارهای مناسب تعریف تا گزینش و انتخاب افراد شایسته‌تر بهتر صورت گیرد. ۹) تقسیم کار؛ از دیگر امور مربوط به یک مدیر مدبر و لایق تقسیم کار است جهت انجام ساده‌تر و بهتر کارها امام (ع) در این مورد می‌فرمایند، برای هر کاری از کارهایت رئیس و کارگردانی از نویسندگان قرار بده که بزرگی کارها او را مغلوب و ناتوان نسازد و هرگاه در آنان عیبی باشد و تو از آن غافل باشی تو را به آن بدی می‌گزینند (تو باید پاسخگو باشی) این تأکیدها از طرف امام (ع) در خصوص تقسیم کار بر اساس توان و تخصص در پیشبرد امور و ارائه خدمات بهتر به مردم است. ۱۰) حقوق و پرداخت پاداش؛ در دنیای مدیریت امروز پرداخت حقوق و پاداش مناسب به کارکنان حرف اول را می‌زند و زمانی می‌توان از یک فرد متخصص، مدبر، لایق و متعهد کار مناسب خواست که حقوق و پاداش او نیازهای زندگی او را مرتفع و رضایت شغلی او را فراهم کند. در غیر این صورت نمی‌توان رشدی در کار و پیشبرد آن را در نظر گرفت. امام (ع) در این باره می‌فرمایند: پس جیره و خوار و بارشان را فراوان ده که این کار آنان (کارگزاران) را به اصلاح خودشان توانا کرده و بی‌نیاز گرداند و آن قدر به قاضی بده و زندگی او را فراخ ساز





میشود که کمتر کسی حاضر به پذیرش آن میشود چون دیگر نفاق ها از بین میرود و مدیران و مسئولین در پست و مقامی که دارند نه تنها زندگیشان سامان نمی یابد بلکه بیشتر در سختی فرو میروند تا بتوانند به وظیفه شان در مقابل اسلام به بهترین نحو ممکن عمل کنند. ان شاء الله با یاری امام زمان (عج) و کمک از دستورات دین و حضور پرشور مرد شاهد به مقام رسیدن افراد لایق و شایسته برای خدمت به مردم باشیم.  
منبع: نهج البلاغه

که عذر او از بین برود و نیازش به مردم با آن بخشش (حقوق مکفی) کم باشد. خیلی از انسان ها و کاندید ها به این فکر می افتند که اگر مدیر و یا مسئول شوند زندگی شان راحت تر میشود و این برایشان امر خوشایندی است. اما وقتی در دستورات دینی دقیق تر میشویم در می یابیم که مدیریت اصلش سختی و خودسازی است و جز آن میسر نمیشود. در حکومت امام زمان امر مدیریت چنان کار پر مشقت و دشواری





### ارتباط انتخابات مجلس با ولایت

در این یادداشت علمی با موضوع "ارتباط انتخابات مجلس با ولایت" به بررسی رابطه بین انتخابات مجلس و نظام ولایت می‌پردازد. این موضوع بسیار مهم است زیرا انتخابات مجلس به عنوان یکی از اصول اساسی دموکراسی و نظام سیاسی در بسیاری از کشورها برگزار می‌شود. در ادامه تلاش می‌شود تا به تحلیل و بررسی عمیق‌تر در مورد این رابطه بپردازد. برخی از موضوعاتی که در این گفتار مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از: تعریف انتخابات مجلس و ولایت: در این قسمت، تعریف انتخابات مجلس و نظام ولایت به صورت کامل بیان می‌شود و تفاوت‌ها و تمایزهای این دو مفهوم بررسی می‌شوند. ارتباط بین انتخابات مجلس و ولایت: در این قسمت، به بررسی نقش انتخابات مجلس در تعیین ولایت و تأثیر آن در تقویت یا ضعف نظام ولایت می‌پردازد. نقش انتخابات مجلس در تثبیت دموکراسی: در این قسمت، به بررسی نقش انتخابات مجلس در تثبیت دموکراسی و تعیین ولایت در جامعه می‌پردازد. انتخابات مجلس به عنوان یکی از مهمترین فرآیندهای دموکراسی در هر کشور، نقش مهمی در تعیین ساختار و عملکرد ولایت دارد. در این مطالعه، به بررسی رابطه انتخابات مجلس با ولایت پرداخته شده است. ابتدا، نظریه‌های ولایت به عنوان یک مفهوم سیاسی

بررسی شده‌اند و سپس به بررسی ارتباط انتخابات مجلس با ولایت



پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که انتخابات مجلس نه تنها نقشی در تعیین ولایت دارند، بلکه برای تقویت و تأسیس ولایت نیز اهمیت بالایی دارند. ولایت به عنوان یک مفهوم سیاسی به ارتباط قدرت و مسئولیت در یک جامعه اشاره دارد. در این نظریه، ولایت به عنوان یک نظام سیاسی برای تضمین عدالت و اجرای احکام دینی در نظر گرفته می‌شود. این نظریه بر این اصل تأکید دارد که قدرت ولایت باید از طریق انتخابات مردمی به دست آید. ارتباط انتخابات مجلس با ولایت، نقش انتخابات مجلس در تعیین ولایت: انتخابات مجلس نقش مهمی در تعیین ولایت ایفا می‌کنند، زیرا نمایندگان مجلس به عنوان نمایندگان مردم در جامعه و در سیاست‌گذاری‌ها نقش دارند. انتخابات مجلس برای تقویت و تأسیس ولایت نیز اهمیت بالایی دارند، زیرا با انتخاب معتبر

نمایندگان، ولایت تقویت می‌شود و ارتباط مستقیمی بین ولایت و انتخابات مجلس وجود دارد. یکی از موضوعات زیربنایی که در مباحث سیاسی مدنظر است مفهوم دموکراسی و آزادی است. اما آزادی و دموکراسی دارای تعاریف روشنی نیست و مفهومی شناور و لغزنده را تداعی میکند، که در معنای محدودتر مفهوم نمایندگی



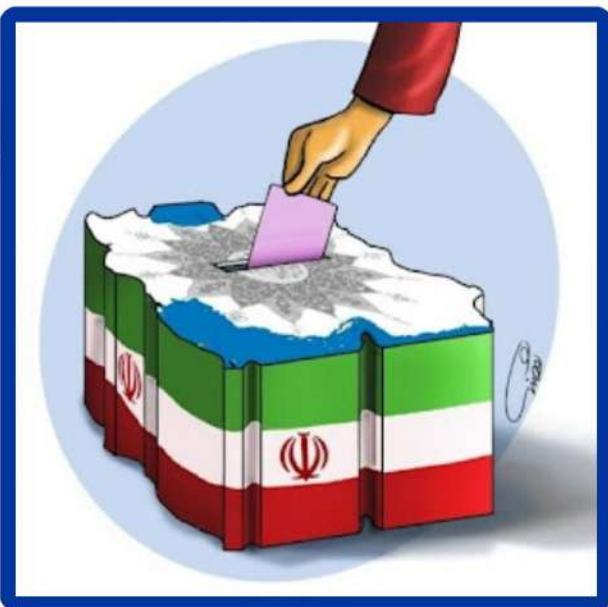


و در معنای وسیعتر مفهوم مشارکت سیاسی محوری

است. اندیشه دموکراسی یکی از مباحث مهم است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی در مقابل حاکمیت دینی مطرح شد. سازگاری با ناسازگاری، سنت و مدرنیته، امروزه بیش از همیشه نمایان است. اسلامیزه کردن عناوینی همچون حقوق بشر و علوم انسانی تحت عنوان «حقوق بشر اسلامی»، «علوم انسانی اسلامی»، «معماری اسلامی»، «سبک زندگی اسلامی»، «مدیریت اسلامی» و ده ها عنوان دیگر این تقابل را بیشتر نمایان میکنند. از طرف دیگر رشد گرایشهای سکولار در سالهای اخیر، نوعی دو قطبی گریزناپذیر میان دینگرایان و سکولارها در جامعه پدید آورده است. تا آغاز دوره روشنگری در اروپا، هر تالش نوگرایانه در حوزه دین با تردیدهای بزرگی نگریده میشد، دین، تنها منبع مرجعیت اخلاقی به شمار می آمد؛ از این رو فیلسوف انگلیسی به نام توماس هابز، بارها به سختی آماج حملات قرار میگرفت، چنانکه او را ملحد میخواندند.

در مضامین اسلامی ضرورت برپایی و استقرار حکومت تا آنجاست که در روایتی از حضرت علی آمده است: دولت، دولت است؛ چه مؤمن باشد، چه کافر. و آنچه همواره اختلافی بوده، مبانی تشکیل حکومت و دولت بوده است. در جوامع اسلامی و از جمله در کشور ما، قدسی و الهی دانستن مفاهیمی چون حکومت، در مقابل عرفی و زمینی دانستن آن همواره در تئوری پردازیها

دریاب حکومت محل تضارب آرا بوده است و اسلام گرایان درباره عناوینی چون دموکراسی، مقبولیت، جایگاه و نقش مردم به مثابه پایه های نظریه حکومت به شیوه های گوناگون بحث کرده اند. اصرار بر لزوم حکومت دینی و تطبیق آن با عناوین برخاسته از مدرنیته از جمله دموکراسی و حقوق مردم در میان متفکران معاصر نظرات گوناگونی را برانگیخته است. در یک دیدگاه ایده آل ترین شکل حکومت را حکومت اسلامی الهی میدانند که برگرفته از احکام اسلام میباشد با وظایف حکومت و ملت مشخص است. در دیدگاه مقابل در کنار اینکه چه کسی حق دارد بر مسند حکومت قرار بگیرد. مشروعیت و بنیاد قدرت از کجا سرچشمه میگردد یا ضرورت وجودی، مبانی توجیهی شکل گیری و ماهیت حکومت اسلامی را چه عواملی تشکیل میدهد را مدنظر دارد که به دنبال آن واکاوی و کار ویژه های حکومت اسلامی را نیز از دو دیدگاه متفاوت شامل میشود. که مفاهیم آزادی و رای مردم، دموکراسی را تبیین و یا به چالش می کشد. اگر فردی در مسیر ولایت ققیه قرار گرفت و حرکت کرد، شایسته انتخاب است. با بیان اینکه





استقامت در راه صحیح و درست موجب نزول برکات از سوی خداوند می‌شود، ابراز می‌شود که: افرادی که ذره‌ای در فرمایش‌های رهبر معظم انقلاب تردید دارند و به توصیه‌های ایشان در بخش‌های مختلف توجه نمی‌کنند، قادر نیستند جامعه را در مسیر درست هدایت کنند. یکی دیگر از عوامل نزول برکات که در قرآن بر آن تاکید شده، صبر است، صبر و تقوا پیشه کنید تا خداوند شما را یاری و کمک کند. احساس مسئولیت نسبت به اطرافیان و جامعه تقوای اجتماعی است و به تعبیر قرآن کریم نباید نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت باشیم. امروزه اگر در جایی نقضی دیده می‌شود، باید به صورت جمعی و بر اساس آرمان‌های انقلاب مطالبه شود.

نباید کاری یا حرفی زد که مورد طمع و سوء استفاده دشمن قرار گیرد و این تقوای سیاسی است که بارها مورد تاکید رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است. یکی از جلوه‌های به طمع انداختن دشمنان حضور کمرنگ در پای صندوق‌های رای است، همه وظیفه داریم با صلابت در انتخابات شرکت کنیم. دستاوردهای نظام باید برای مردم به ویژه جوانان بیان شود تا امیدآفرینی در جامعه تحقق یابد. انتخابات مجلس نه تنها نقشی در تعیین ولایت دارند، بلکه برای تقویت و تأسیس ولایت هم اهمیت بالایی دارند. انتخابات مجلس به عنوان یک فرآیند مهم دموکراسی، قدرت و نقش ولایت را تعیین و تقویت می‌کند و ارتباط مستقیمی بین این دو وجود دارد. منبع: خرد در سیاست

گفتارنامه علمی انجمن علمی دانشکده علوم قرآنی شیراز - اسفندماه ۱۴۰۲ - شماره هفتم





### شکوه بیکرانه

درون هر ترانه‌ای، تو شور جاودانه‌ای  
طلوع آرزوی من، شکوه بیکرانه‌ای

تو پیک خوش پیام من در اوج درد و محنتی  
خدای خیر و راستی، تو معنی زمانه‌ای

چه روزهای روشنی به من تو هدیه داده‌ای  
برای هر شکسته دل پناه و آشیانه‌ای

دل از هجوم فتنه‌ها در این زمانه زار شد  
برای جان خستگان، تو عشق خالصانه‌ای

همیشه با کلام خود به من نوید داده‌ای  
بدون هیچ منتی به سوی من روانه‌ای

